

رابطۀ ساخت اطلاعی جمله و گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله‌های فارسی معیار*

ناصر رشیدی (دانشگاه شیراز)

مهرداد شهبازی (کارشناس ارشد زبان‌شناسی)

چکیده: در این پژوهش رابطۀ برخی از ویژگی‌های نحوی با بعضی از ویژگی‌های گفتمانی مطالعه و بررسی شده‌است. حدود هزار جمله از ده متن نوشتاری فارسی رسمی انتخاب شده و گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله‌ها، بر اساس میزان آشنایی آن برای شنونده، تحلیل شده‌است. نتایج تحلیل محتوایی نشان می‌دهد که در ۹۰۴ جمله از گروه‌های اسمی مختلف بر اساس طبقه‌بندی پرینس (PRINCE 1981) در جایگاه نهاد استفاده شده‌است و گروه‌های اسمی برانگیخته، با ۴۳ درصد کاربرد، بیش از گروه‌های اسمی جدید معین و جدید نامعین در جایگاه نهاد به کار رفته‌اند. علاوه بر این، بررسی دقیق جمله‌ها حاکی از این است که بیش از ۸۰ درصد گروه‌های اسمی، در جایگاه نهاد، انتقال اطلاعات کهنه شنونده‌بنیاد را انجام می‌دهند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که گروه‌های اسمی که در جایگاه نهاد جمله‌های نوشتاری فارسی رسمی به کار می‌روند از میزان آشنایی بالایی برای شنونده برخوردارند، یعنی اغلب اطلاعات کهنه را منتقل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: گروه اسمی، نهاد، اطلاعات کهنه، اطلاعات نو، ساخت اطلاعی.

* بر خود لازم می‌دانیم که از فاضل بزرگوار، دکتر یارمحمدی، به جهت راهنمایی‌های ارزنده‌شان در نگارش این مقاله، تشکر و قدردانی نماییم.

۱. مقدمه

۱-۱ موضوع

ساخت اطلاعی^۱ به عنوان یکی از ساخت‌های بند^۲، یک پدیده زبانی است و مانند دیگر ساخت‌های نحوی و آوایی و معنایی زبان احتیاج به توصیف و بررسی دقیق دارد و اگر در توصیف و بررسی این بخش از زبان همّت کافی و تلاش علمی صورت نگیرد، در واقع توصیف زبان ناقص خواهد بود.

بنا بر نظر نونان (NOONAN 1993: 45) تصور بر این است که اطلاعات اغلب در متن و گفتمان مفروض^۳ است؛ یعنی اینکه گوینده یا نویسنده فکر می‌کند که شنونده یا خواننده از آن آگاهی قبلی دارد و یا اینکه اطلاعات ارائه شده در متن یا گفتمان برای شنونده یا خواننده جدید^۴ است و گوینده یا نویسنده قصد دارد آن را به آگاهی مخاطب خود برساند. نونان (Ibid) می‌گوید که در انگلیسی اطلاعات نو غالباً در انتهای جمله می‌آید و نهاد جمله غالباً انتقال اطلاعات مفروض یا کهنه را بر عهده دارد. در واقع، می‌توان گفت که رابطه‌ای نزدیک بین اطلاعات مفروض و نهاد جمله در زبان انگلیسی وجود دارد.

از سویی دیگر، در مطالعات نحو، اسم و گروه اسمی از اهمیت شایان توجهی برخوردارند. به عقیده شفائی (۱۳۶۳: ۱۰) اسم مهم‌ترین جزء کلام است و در کلیه دستورهای زبان دنیا اسم را در صدر اجزای کلام بررسی می‌کنند. یکی از جایگاه‌هایی که گروه اسمی در جمله بیشتر اوقات اشغال می‌کند جایگاه نهاد جمله است. بنابراین، تلاش و مطالعه علمی در جهت نزدیک کردن مباحث تحلیل گفتمان و مباحث نحو و یافتن رابطه موجود بین مباحث تحلیل گفتمانی و مباحث نحوی ضروری به نظر می‌رسد. هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه بین گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله و ساخت اطلاعی جمله از نظر ترتیب قرار گرفتن اطلاعات کهنه (مفروض) و اطلاعات نو است. مطالعه حاضر که درباره ساخت اطلاعی جملات نوشتاری زبان فارسی معیار^۵

1. information structure

2. clause

3. given

4. new

۵. منظور از زبان فارسی معیار در اینجا زبانی است که در نگارش مطالب کتاب‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها و وسایل ارتباط جمعی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

انجام می‌گیرد، بر اساس درجه‌بندی‌ای از میزان آشنایی گروه‌های اسمی برای شنونده است که پرنس (PRINCE 1981) در مقاله خود به آن پرداخته‌است. او با آوردن شواهد گفتاری و نوشتاری از زبان انگلیسی به تجزیه و تحلیل گروه‌های اسمی در جمله و رابطه آنها با ساخت اطلاعی می‌پردازد.

۱-۲ پیشینه تحقیق

۱-۲-۱ اسم یا گروه اسمی

دستورنویسان سنتی زبان فارسی غالباً اسم را به‌عنوان یکی از انواع کلمه تعریف کرده‌اند، ولی دستورنویسان و پژوهشگران آشنا با زبان‌شناسی نوین به تعریف و توصیف گروه اسمی می‌پردازند. به‌طور مثال در دستور زبان فارسی قریب و همکاران (۱۳۵۰: ۲۰) اسم کلمه‌ای معرفی شده‌است که بدان مردم یا جانور یا چیز را نامند و معین کنند. مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹: ۱۳۷) به‌جای اسم از عبارت گروه اسمی استفاده می‌کند و در تعریف آن می‌گوید: «گروه اسمی واحد نحوی‌ای است که از یک یا چند واژه تشکیل شده‌است و واژه اصلی یا هسته آن اسم است»، سپس چنین بیان می‌کند که از لحاظ معنایی ممکن است اسم به انسان، جانور، گیاه، شیء یا به‌طور کلی هر پدیده مادی یا غیرمادی دلالت نماید. رحیمیان (۱۳۸۱: ۳۷) تعریف اسم یا گروه اسمی را به شکل فوق، تعریفی ذهنی^۶ می‌نامد؛ زیرا ویژگی‌های طبقات واژگان را بر پایه پندارهای معنایی بیان می‌کند. به اعتقاد وی رویکرد مناسب این است که اسم بر پایه معیارهای صوری و توزیعی و نقشی تعریف شود و این رفتار نحوی واژه‌ها در جمله، به‌عنوان بافت زبانی‌ای است که تشخیص گروه اسمی را میسر می‌سازد. دستورنویسان طبقه اسم را بر پایه‌های گوناگون به زیرطبقه‌ها یا انواعی تقسیم کرده‌اند. همایون‌فرخ (۱۳۳۷: ۳۹) اسم را به شش طبقه تقسیم می‌کند. نوروزی (۱۳۷۳: ۱۲۷-۱۲۷) در مبحث اسم سیزده نوع را تعریف می‌کند.

رحیمیان (۱۳۸۱: ۳۷) زیرطبقه‌های اسم را شامل اسم عام (قابل شمارش و غیر قابل شمارش)، اسم خاص، عدد (شمارشی و ترتیبی) و ضمیر (ضمیر شخصی، ملکی، اشاره، موصولی، پرسشی، نامعین) می‌داند. نکته قابل توجه در این تقسیم‌بندی

قرار دادن ضمیر و عدد در زیر طبقه گروه اسمی است؛ در حالی که در دستورهای سنتی غالباً ضمیر و عدد دو نوع از انواع کلمه هستند و هر کدام خود یک طبقه محسوب می‌شود.

۲-۱-۲ پاره‌ای از ویژگی‌های گروه اسمی در زبان فارسی

در کنار مفهوم معرفه بودن گروه اسمی در برخی از متون زبان‌شناختی، مفهوم مشخص بودن^۷ نیز مطرح است. تعدادی از زبان‌شناسان معاصر ایران به بحث مشخص بودن گروه اسمی در آثار خود پرداخته‌اند که از جمله آنان می‌توان از کریمی (1989: Karimi)، رحیمیان (1995: Rahimian) و دبیرمقدم (1369) نام برد که نظریاتشان به طور خلاصه منعکس می‌شود.

کریمی (1989: 61: Karimi) اعتقاد دارد که گروه اسمی مشخص، به فرد یا مصداق خاص و یا به افراد یا مصداق خاص، از مجموعه افراد یا مصداق خارجی یک گروه اسمی دلالت می‌کند. وی گروه اسمی معرفه را همیشه مشخص می‌داند و گروه اسمی جنس را همواره نامشخص در نظر می‌گیرد و در رابطه با گروه اسمی نکره دو حالت را تصور می‌کند: ۱. گروه اسمی نکره مشخص که فقط گوینده مصداق مشخصی را در ذهن دارد و شنونده با مصداق آن گروه اسمی آشنایی ندارد؛ ۲. گروه اسمی نکره نامشخص که گوینده نیز مصداق مشخصی را در ذهن ندارد و غالباً جمله به وجه التزامی بیان می‌شود. در دو جمله ذیل دکتري نکره است، اما در جمله اول با وجه التزامی به کار رفته است و بر فرد مشخصی در ذهن گوینده دلالت نمی‌کند.

۱. دنبال به دکتري می‌گرده که خیلی ماهر باشه.

۲. دنبال دکتري می‌گرده که خیلی ماهره.

برخلاف نظر کریمی، رحیمیان (1995: 179: Rahimian) معتقد است که ضرورتی ندارد گروه اسمی معرفه همیشه مشخص باشد، بلکه مشخص و نامشخص بودن اسم، در گروه‌های اسمی معرفه نیز قابل اعمال است. برای مثال:

۳. آن کارگرهایی که بد کار کنند اخراج می‌شوند.

ویژگی دیگر گروه اسمی که مورد توجه زبان‌شناسان بوده، ارجاع است. ارجاع در متون زبان‌شناختی در معانی مختلف به کار برده شده است. یارمحمدی (۱۳۸۳: ۹) ارجاع را رابطه‌ای معرفی می‌کند که بین تعبیرات زبانی، یعنی اسامی از یک طرف، و اشیاء یا صفات قابل رؤیت مورد اشاره یا مورد دلالت از طرف دیگر، برقرار باشد و معتقد است که ارجاع در گفتمان معمولاً توسط سه مقوله از تعبیرات اسمی که شامل اسامی خاص، عبارات اسمی و ضمیر است، صورت می‌گیرد. هریک از این مقوله‌های اصلی می‌تواند زیرمقوله‌هایی داشته باشد. وی ارجاعات را از نظر صراحت دارای طیفی می‌داند که در یک طرف آن نام، با بیشترین صراحت، و در طرف دیگر ضمیر، با کمترین صراحت، قرار دارد (همان‌جا: ۱۳).

رحیمیان (Rahimiyan 1995: 180) ارجاع را گوینده‌محور می‌داند؛ یعنی اینکه اگر گوینده هنگام صحبت کردن درباره یک گروه اسمی، ذات و شیء خاصی را در ذهن داشته باشد، آن گروه اسمی ارجاعی است.

۳-۲-۱ نهاد جمله

گروه اسمی در ترکیب و ساختمان جمله می‌تواند حالت‌ها یا نقش‌های گوناگون داشته باشد و یکی از نقش‌های گروه اسمی حالت فاعلی است. ناتل خانلری (۱۳۷۷: ۱۳) جمله خبری را به دو قسمت مجزا تقسیم می‌کند و نهاد را قسمتی از جمله می‌داند که درباره آن خبری می‌دهیم و در اول جمله قرار می‌گیرد و قسمت دیگر را گزاره می‌نامد و آن خبری است که درباره نهاد گفته می‌شود. گروهی از دستورنویسان بین فاعل و مسندالیه تفاوت قائل شده‌اند و برای هریک تعریف جداگانه‌ای ارائه داده‌اند. به طور مثال افعال را به دو دسته تقسیم کرده‌اند؛ افعال ربطی که عبارت‌اند از: استن، بودن، شدن، گردیدن، گشتن و جز اینها، و افعال تام که بقیه افعال زبان فارسی را شامل می‌شود و سپس معتقدند که اگر در آخر جمله فعل ربطی وجود داشته باشد، آن اسم یا جانشین اسم که در پاسخ چه چیز یا چه کس بیاید، مسندالیه است نه فاعل، ولی اگر فعل جمله تام باشد آن اسم یا جانشین اسم که در پاسخ چه چیز یا چه کس می‌آید فاعل است. در هر صورت فاعل و مسندالیه را نهاد جمله به حساب می‌آورند (شریعت ۱۳۷۶: ۳۴-۳۵).

۴-۲-۱ حالات و کارکردهای نهاد

اکثر دستورنویسان برای نهاد حالات مختلفی را ذکر کرده‌اند (ناتل خانلری ۱۳۷۷، رحیمیان ۱۳۸۱، نوروزی ۱۳۷۳) که به موارد مهم آنها اشاره می‌شود. گاهی ممکن است نهاد با آنچه به طور سنتی مفعول، یا دقیق‌تر بگوییم مفعول منطقی نامیده می‌شود، منطبق گردد؛ یعنی اینکه اگر در جمله‌ای فعل مجهول به کار رفته باشد نهاد جمله مفعول منطقی آن است. در واقع، مفعول جمله معلوم که در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد نهاد نامیده می‌شود. گاهی نهاد دارنده صفت است، مانند:

۴. هوشنگ تواناست.

و گاهی نهاد پذیرنده صفت است، مانند:

۵. هوشنگ بیمار شد.

و در بسیاری از جمله‌ها، نهاد کننده کار است که در اصطلاح دستور زبان آن را فاعل نیز می‌خوانند، مانند:

۶. فاطمه آش پخت.

به علاوه، گاهی نهاد با گزاره‌ای به کار می‌رود که نشانگر عمل یا حالتی است که بر نهاد واقع شده است. در جمله‌های (۷) و (۸) مهدی و پنجره هیچ‌کدام عامل عملی نیستند، بلکه عملی بر آنها واقع شده است:

۷. مهدی کتک خورد.

۸. پنجره شکست.

۳-۱ ساخت اطلاعی جمله

اهل زبان وقتی با هم ارتباط زبانی برقرار می‌کنند معمولاً آن را در خلأ انجام نمی‌دهند، بلکه در موقعیتی انجام می‌دهند که بر یک سلسله اطلاعات، اعتقادات، ارزش‌ها، و مواضع مشترک مبتنی است. این اطلاعات مشترک که به آن اطلاعات کهنه^۸ می‌گویند و در جریان ارتباط مورد اشاره قرار می‌گیرد، کمتر توضیح داده می‌شود. در ادامه با برخی از دیدگاه‌ها درباره ساخت اطلاعی جمله آشنا می‌شویم.

۱-۳-۱ مکتب پراگ و مِسیوس

مطالعه جدی درباره ساخت اطلاعی در متن، به مکتب پراگ و به سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که زبان‌شناسان با مطرح کردن نمای نقشی جمله^۹ به بررسی پویایی اطلاعاتی (ارتباطی)^{۱۰} جمله پرداختند.

زندگی و روشن (۱۳۸۳: ۲۰) مِسیوس (Mathesius)، زبان‌شناس اهل چک را اولین فردی معرفی می‌کنند که موضع آغازین در سطح بند را برای توجیه برخی از پدیده‌های زبانی بررسی کرد و دو اصطلاح آغاز^{۱۱} و آویزه^{۱۲} را در مفهوم اطلاعات کهنه و اطلاعات نو به کار برد.

۱-۳-۲ نظریات هالیدی

هالیدی (Halliday 1985) به بررسی زبان گفتار و ساخت آوایی می‌پردازد. او مفاهیمی مانند گروه‌های آهنگ‌دار^{۱۳} و هجای نواخت‌بر^{۱۴} را کانون اطلاعاتی^{۱۵} به حساب می‌آورد. هالیدی (1985; 2002) در تعریف اطلاعات کهنه بر شنونده‌محور بودن آن تأکید می‌کند؛ یعنی اطلاعات کهنه آن اطلاعاتی است که از طریق ارجاع یا موقعیت، برای شنونده قابل بازیافت باشد.

۱-۳-۳ نظریات پرینس

مباحثی که اشخاصی چون هالیدی درباره ساخت اطلاعی بند مطرح کرده‌اند، به گونه‌ای محدود کردن ساخت اطلاعی به دو مفهوم اطلاعات کهنه و اطلاعات نو، بر اساس آهنگ جمله و یا دانش مشترک بوده است؛ درحالی‌که پرینس (Prince 1981: 234) تلاش می‌کند که از این تقسیم‌بندی دو قسمتی فراتر رود و با تحلیل متن به رده‌بندی اطلاعات کهنه و نو مبادرت نماید. وی (Ibid: 235-236) بر اساس فرضیات گوینده درباره میزان اطلاعات قبلی شنونده به رده‌بندی‌ای از میزان آشنایی^{۱۶} گروه‌های اسمی برای شنونده می‌پردازد. میزان آشنایی در واقع اصطلاحی است که او به جای دانش مشترک میان

9. functional sentence perspective

11. theme

14. tonic foot

12. rheme

15. information focus

10. communicative dynamism

13. tone group

16. assumed familiarity

شنونده و گوینده به کار می‌برد. در حقیقت پرینس سه درجه میزان آشنایی را برای اسامی در نظر می‌گیرد.

گروه‌های اسمی جدید نامعین^{۱۷} آنهایی هستند که شنونده آنها را نمی‌شناسد و اولین بار است که در متن ذکر می‌شود و شامل دو نوع است. گروه اسمی جدید نامعین معرفی نشده که غالباً صورت گروه اسمی نکره دارد، به تنهایی یا همراه گروه وصفی در جمله ظاهر می‌شود و گروه اسمی جدید نامعین معرفی شده^{۱۸} گروه اسمی ای است که به گروه اسمی دیگری مرتبط شده که آن گروه اسمی خود جدید نامعین معرفی نشده نیست.

گروه اسمی جدید معین^{۱۹} به آنهایی گفته می‌شود که مصداق یا مصداق‌های آنها در ذهن شنونده وجود دارد و شنونده قادر است آنها را شناسایی کند. این گروه اسمی غالباً از اسم‌های خاص‌اند.

گروه‌های اسمی قابل استنباط^{۲۰} گروه‌های اسمی ای هستند که با استدلال منطقی و با توجه به گروه‌های اسمی دیگر یا گروه‌های اسمی اشاره شده، برای شنونده قابل شناسایی است. این اسامی دو نوع‌اند: قابل استنباط از طریق خود بخش اسمی و قابل استنباط از طریق استنتاج. در اسامی نوع اول، آنچه کمک می‌کند تا گروه اسمی شناسایی شود در خود گروه اسمی قرار دارد و بخشی از آن گروه اسمی محسوب می‌شود، مانند رابطه یک عضو با کل یک دسته؛ در حالی که در نوع دوم گروه اسمی قابل استنباط به طور غیرمستقیم با گروه‌های اسمی دیگر در متن رابطه ای منطقی دارد و برای شنونده قابل شناسایی است.

گروه اسمی برانگیخته^{۲۱}: به دو روش یک گروه اسمی اشاره شده شناسایی می‌شود؛ یا اینکه شنونده قبلاً آن را در متن با راهنمایی گوینده یافته است، یعنی اینکه قبلاً این گروه اسمی به صورت گروه اسمی جدید یا قابل استنباط ذکر شده و برای مرتبه دوم در متن آورده می‌شود که به آن برانگیخته متنی می‌گویند، یا اینکه موقعیت گفت‌وگو از جمله شرایط زمانی و مکانی، و شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو، گروه اسمی را برای شنونده قابل

17. brand new

18. anchored brand new

19. unused

20. inferable

21. evoked

شناسایی می‌کند که آن را گروه اسمی برانگیخته موقعیتی نام نهاده‌اند. مثال‌های ذیل از راسخ مهند و موسوی (۱۳۸۶: ۵۲) نشان‌دهنده موارد یادشده است:

۹. جدید معین (م): فردوسی در این مورد تعبیر جالبی دارد (فردوسی قبلاً در متن نیامده ولی گوینده فرض را بر این می‌گذارد که شنونده وی را می‌شناسد).

۱۰. جدید نامعین معرفه نشده (ن): دیروز با مردی در اتوبوس آشنا شدم.

۱۱. جدید نامعین معرفه شده (ن.م): ماشینی که علی سوار شده خیلی گران است (بند موصولی، ماشینی را معرفه کرده‌است).

۱۲. برانگیخته متنی (ب.م): امروز به یکی از دوستان قدیمی‌ام برخوردم. او اولش مرا شناخت.

۱۳. برانگیخته موقعیتی (ب.و): ببخشید، شما می‌دانید اداره پست کجاست؟

۱۴. قابل استنباط از طریق استنتاج (ق.ا): دیروز پدرت را دیدم. پیرمرد خیلی شکسته شده.

۱۵. قابل استنباط از طریق خود بخش اسمی (ق.م): یکی از تخم‌مرغ‌ها شکسته.

سپس بر اساس طبقه‌بندی اسامی به شکل یادشده، پرینس (Prince 1981: 252)

به بررسی گروه‌های اسمی در جایگاه فاعل^{۲۲} و غیرفاعل^{۲۳} در دو متن مختلف - که یکی متنی غیررسمی و شفاهی است و دیگری متنی رسمی و تخصصی - می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد:

گروه اسمی جدید نامعین معرفه نشده در جایگاه‌های فاعلی و غیرفاعلی ظاهر نشده‌اند و تعداد کمی گروه اسمی جدید معین در این جایگاه‌ها به کار رفته‌اند، اما در هر دو متن، فاعل جمله‌ها غالباً از گروه‌های اسمی برانگیخته و سپس از گروه‌های اسمی قابل استنباط و بالاخره گروه‌های اسمی جدید بوده‌اند.

درواقع، فاعل‌های جدید نامعین معرفه نشده (نکره) در متون مورد بررسی پرینس بسیار کم بوده‌اند و میزان آشنایی گروه‌های اسمی در جایگاه فاعل بسیار بالا بوده‌است که غالباً از گروه‌های برانگیخته بوده‌اند.

۴-۳-۱ نظریات و پژوهش‌های زبان‌شناسان ایرانی

در زبان فارسی، زبان‌شناسان نیز در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی فارسی کمابیش به بررسی ارتباط مباحث واج‌شناسی و نحو و ساخت اطلاعی و ساخت آغازگی جمله‌ها پرداخته‌اند که به نمونه‌های از این نظریات و پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم.

خزاعی فر (۱۳۸۳: ۴۲) ویژگی مهم تکیه جمله را این می‌داند که تمایز معنایی ایجاد می‌کند. وی به توصیف و بررسی سه ساخت نوایی (تغییر جای تکیه جمله بدون اینکه ساختار نحوی جمله تغییر کند، الگوی خاصی ایجاد می‌کند که معنای جمله را نیز تغییر می‌دهد) در زبان فارسی می‌پردازد و آنها را برحسب نقشی که در کلام دارند ساخت بی‌نشان، ساخت مؤکد یا تباین‌دهنده و ساخت آغازکننده می‌داند.

دبیرمقدم (۱۳۶۹: ۳۷) برای یک جمله با فعل متعدی، در حالت بنیادی یا بی‌نشان، سه گونه تقطیع در نظر می‌گیرد که با هم در ارتباط نزدیکی هستند. تقطیع نحوی جمله که شامل فاعل، مفعول صریح و فعل است، تقطیع کلامی جمله از نظر گوینده که شامل مبتدای اولیه و مبتدای ثانویه و خبر است، و تقطیع کلامی جمله از نظر شنونده که اطلاعات کهنه و اطلاعات نورا دربرمی‌گیرد. وی سپس با ذکر چند مثال نشان می‌دهد که گاهی اطلاعات کهنه با مبتدای اولیه و مبتدای ثانویه یکی است و گاهی اطلاعات کهنه فقط با مبتدای اولیه هم پوشانی دارد و مبتدای ثانویه بخشی از خبر به حساب می‌آید.

از جمله پژوهش‌های توصیفی آماری که در زمینه انواع گروه‌های اسمی به کاررفته به عنوان آغاز یا مبتدا در جمله‌های زبان فارسی انجام گرفته، پژوهشی است که زندی و روشن (۱۳۸۳) انجام داده‌اند. آنها در پی تأیید این فرضیه هستند که مبتدا در بیشتر موارد در جمله‌های خبری یک گروه اسمی است. بنابراین ۹۵۴ جمله نوشته شده توسط دانش‌آموزان مقطع تحصیلی ابتدایی، با شیوه نمونه‌گیری تصادفی، انتخاب و سپس تحلیل محتوایی شده‌اند.

یافته‌های آماری این پژوهشگران حاکی از آن است که ضمائر اول شخص (من - ما) بیشترین رقم را در جایگاه مبتدا به خود اختصاص داده‌اند.

۲. روش

روش تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای است و داده‌های پژوهش از منابع کتابخانه‌ای گردآوری و متون نوشتاری فارسی، با توجه به بافت کلامی و غیرکلامی، تحلیل گفتمانی شده‌اند.

۲-۱ داده‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش و به عبارت دقیق‌تر، نمونه آماری پژوهش حاضر را حدود هزار جمله فارسی تشکیل می‌دهد که از کتاب‌هایی در حوزه‌های مختلف دانش بشری به زبان فارسی انتخاب شده‌اند. بر اساس رده‌بندی دیویی، دانش بشری به ۱۰ بخش اصلی تقسیم می‌شود که عبارت است از:

۱. آثار کلی (۵)؛ ۲. فلسفه (۱)؛ ۳. مذهب (۲)؛ ۴. علوم اجتماعی (۳)؛ ۵. زبان (۴)؛ ۶. علوم محض (۵)؛ ۷. علوم و فنون (۶)؛ ۸. هنرهای زیبا (۷)؛ ۹. ادبیات (۸)؛ ۱۰. تاریخ (۹)، (به نقل از ابرامی ۱۳۷۸: ۱۴۸).

از هر یک از حوزه‌های فوق، یک کتاب که مطالب اصلی و اساسی آن بخش از دانش بشری را برای دانشجویان مطرح و بیان می‌کند و به نثر رسمی فارسی معیار معاصر نگارش یافته و ترجمه نبوده، انتخاب شد. پس از آن به‌طور تصادفی یکی از فصل‌های هر کتاب برگزیده شد و صد جمله اول آن مورد بررسی قرار گرفت.

۲-۲ شیوه تحلیل

بر اساس نظریات پرنس (۱۹۸۱) می‌توان گفت که میزان آشنایی گروه‌های اسمی مختلف بر طبق رده‌بندی او به این ترتیب است که گروه‌های اسمی برانگیخته (ب) از بالاترین میزان آشنایی برای شنونده برخوردارند و سپس گروه‌های اسمی جدید معین (م) و گروه‌های اسمی قابل استنباط از طریق استنتاج (ق.ا) و گروه‌های اسمی قابل استنباط از طریق خود گروه اسمی (ق.م) میزان آشنایی بیشتری دارند. در واقع، شنونده با مصادیق این گروه‌های اسمی آشناست و آنها را می‌شناسد. به عبارت دیگر، این گروه‌های اسمی حامل اطلاعات کهنه‌اند، در حالی که گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه‌نشده (ن) و جدید نامعین معرفه‌شده (ن.م) از میزان آشنایی بسیار کمی برای شنونده برخوردارند و شنونده تصور کاملی از مصادیق آنها ندارد و غالباً حامل اطلاعات نو هستند. بنابراین، می‌توان به‌طور کلی الگوی جدول (۱) را برای شناسایی اطلاعات کهنه و اطلاعات نو، با توجه به میزان آشنایی گروه‌های اسمی برای شنونده، در نظر گرفت.

جدول ۱: رابطه اطلاعات کهنه و نوع گروه اسمی

گروه‌های اسمی برانگیخته (ب)	اطلاعات کهنه
گروه‌های اسمی جدید معین (م)	
گروه‌های اسمی قابل استنباط (ق)	
گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه‌شده (ن.م)	اطلاعات نو
گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه‌نشده (ن)	

پرینس (1981: 252) با بررسی و تحلیل یک متن نوشتاری تخصصی زبان‌شناسی به این نتیجه می‌رسد که پنجاه درصد گروه‌های اسمی به‌کاررفته در جایگاه فاعلی، گروه‌های اسمی اشاره‌شده در متن‌اند و چهل درصد از گروه‌های اسمی به‌کاررفته در جایگاه فاعل، گروه‌های اسمی قابل استنباط، و تعداد بسیار کمی نیز گروه‌های اسمی جدید معین بوده‌اند. گروه‌های اسمی جدید نامعین در جایگاه فاعلی به‌کار برده نشده‌اند. در واقع، در آن متن انگلیسی، فاعل‌ها حامل اطلاعات کهنه بوده‌اند.

پرینس (Prince 1988: 6) از عبارت‌ها و اصطلاحات جدیدی مانند: اطلاعات کهنه شنونده‌بنیاد^{۲۴} و اطلاعات نوی شنونده‌بنیاد^{۲۵} به‌جای اصطلاحات قبلی خود، یعنی گروه اسمی جدید معین و گروه اسمی جدید نامعین معرفه‌نشده استفاده می‌کند. بنا به نظر وی «گروه‌های اسمی کهنه شنونده‌بنیاد نوعاً و معمولاً معرفه‌اند و گروه‌های اسمی نوی شنونده‌بنیاد نوعاً و معمولاً نکره هستند.»

علاوه بر این، پرینس (Ibid: 12) اعتقاد دارد که می‌توان گروه‌های اسمی را بر اساس اینکه قبلاً در متن به آن اشاره شده است یا نه، به گروه اسمی نوی گفتمان‌بنیاد^{۲۶} و گروه اسمی کهنه گفتمان‌بنیاد^{۲۷} تقسیم کرد. وی ارتباط اطلاعات نو و کهنه شنونده‌بنیاد و گفتمان‌بنیاد و مفاهیم طرح‌شده راجع به طبقه‌بندی گروه‌های اسمی در پرینس (1981) را نیز توضیح می‌دهد.

24. hearer-old

25. hearer-new

26. discourse new

27. discourse old

جدول ۲: ارتباط اطلاعات نو و کهنه شنونده/گفتمان بنیاد

کهنه گفتمان بنیاد	نوی گفتمان بنیاد	
ندارد	اسم جدید نامعین: مردی، ماشینی	نوی شنونده بنیاد
ضمایر: مرا، شما	اسم جدید معین: فردوسی	کهنه شنونده بنیاد

راسخ مهند و موسوی (۱۳۸۶: ۵۴) با ترجمه جدول (۲) راجع به تلفیق آنها می‌افزایند: به این ترتیب گروه‌های اسمی جدید نامعین (معرفه شده یا نشده)، هم به لحاظ گفتمان و هم به لحاظ شنونده، اطلاعات نو هستند. گروه‌های اسمی جدید معین از حیث شنونده اطلاعات کهنه و از حیث گفتمان اطلاعات نو هستند. از طرفی، گروه‌های اسمی برانگیخته (چه متنی و چه موقعیتی) از حیث گفتمان و شنونده اطلاعات کهنه هستند و البته موردی نیست که از حیث گفتمان اطلاعات کهنه و از حیث شنونده اطلاعات نو باشد. وی (پرینس) گروه‌های اسمی قابل استنباط را در طبقه‌ای جدا قرار داده که بر اساس گفتمان گاهی می‌توانند اطلاعات نو و گاهی اطلاعات کهنه باشند.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

پیکره اصلی تحقیق حاضر تجزیه و تحلیل حدود هزار جمله نوشتاری فارسی را در بر می‌گیرد. در ادامه، هریک از متون مورد بررسی را به اختصار معرفی می‌کنیم و چندین جمله نمونه از هر متن تحلیل شده را به عنوان شاهد می‌آوریم. نتایج تحلیل گفتمانی هر متن در جدولی، همراه با توضیحات لازم، آورده شده است.

۳-۱ نتایج تحلیل گفتمانی متن

بر اساس نظریه پرینس، ده متن انتخابی به طور جداگانه به صورت جدول ارائه می‌شود. نهاد هر جمله با حروف سیاه‌تر مشخص شده است. منظور از نهاد آن قسمت از جمله است که درباره آن خبری می‌دهیم (ناتل خانلری ۱۳۷۷: ۱۳) و در پاسخ چه کس یا چه چیز می‌آید و اگر فعل جمله، فعل ربطی (استن، بودن، شدن، گردیدن و گشتن) باشد، آن را مسندالیه می‌نامند. اگر فعل جمله ربطی نباشد، یعنی فعل تام باشد، آن را فاعل جمله در نظر می‌گیرند؛ یعنی نهاد دربرگیرنده مسندالیه و فاعل است (شریعت ۱۳۷۶: ۳۴-۳۵).

۱-۱-۳ جمله‌های نمونه و جدول‌های نتایج تحلیل متن‌ها

متن ۱: این متن شامل حدود یک صد جمله است که از کتاب مجموعه‌سازی در کتابخانه‌ها (جلد دوم: سفارش و تهیه مواد کتابخانه‌ای) انتخاب شده است. این کتاب هفت فصل دارد و برای دانشجویان رشته علوم کتابداری نوشته شده است. جمله‌های ذیل برای نمونه انتخاب شده‌اند.

افراد و گروه‌های مختلف درخواست تهیه مواد را به صورت‌های گوناگون به مسئولان کتابخانه‌ها اعلام می‌کنند. (ن) این افراد ممکن است از مقامات سازمان متبوع یا کارکنان کتابخانه باشند که با اتکا به تجربه شخصی خود، لزوم تهیه یک عنوان یا نسخه‌های تکراری از عنوان دیگری را توصیه می‌کنند. (ب) در کتابخانه‌های دانشگاهی و دانشکده‌ای این افراد بیشتر از اعضای هیئت علمی و دانشجویان هستند. (ب) تهیه مواد درخواستی پس از تأیید در کمیته انتخاب و تصویب نهایی مقامات مسئول، به عهده واحد سفارش و تهیه گذاشته می‌شود. (ق) با دریافت سفارش، گردش کار برای تهیه مواد مورد درخواست شروع می‌شود (ق.م).

نتایج جدول (۳) از بررسی صد جمله اول فصل سوم کتاب به دست آمده است.

جدول ۳: تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد متن ۱

گروه اسمی	م.ب	ب	م	ق.م	ق	ن	ن.م	کل	سایر
تعداد	۲	۲۳	۵	۲۳	۱۸	۹	۲	۸۷	۱۵
درصد	۲/۵	۲۸	۶	۲۸	۲۲	۱۱	۲/۵		
اطلاعات کهنه									۸۶/۵٪
اطلاعات نو									۱۳/۵٪

با توجه به جدول (۳)، مشخص است که بیش از پنج ششم گروه‌های اسمی، یعنی ۸۶/۵٪ گروه‌های اسمی، اطلاعات کهنه را منتقل می‌کنند و ۱۳/۵٪ از گروه‌های اسمی، حامل اطلاعات نو هستند.

متن ۲: دومین متن درباره موضوع حادث و قدیم، برگرفته از کتاب آشنایی با علوم اسلامی: فلسفه است. صد جمله اول درس هفتم این کتاب بررسی شده که نتیجه آن در جدول (۴)، پس از ذکر چند جمله نمونه، آورده شده است:

مقصودشان از قدیم بودن و کهنه بودن این است که آن چیز همیشه بوده است و هیچ‌گاه

نبوده است که نبوده (ح.م) پس اگر ما درختی را فرض کنیم که میلیاردها سال عمر کرده باشد (ب) آن درخت در عرف عام کهن و بسیار کهن است (ب) اما (نهاد محذوف یا Ø) در اصطلاح فلسفه و کلام، حادث و نو است. (ب) زیرا همان درخت قبل از آن میلیاردها سال نبوده است (ب).

جدول ۴: تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد در متن ۲

گروه اسمی	ب.م	ب	م	ق.م	ق	ن	ن.م	کل	سایر
تعداد	۱	۴۲	۱۵	۹	۱۳	۱۲	۷	۹۸	۲
درصد	۱	۴۳	۱۵	۹	۱۳	۱۲	۷		
اطلاعات کهنه									٪۸۱
اطلاعات نو									٪۱۹

در مجموع، ٪۸۱ گروه‌های اسمی حامل اطلاعات کهنه و ٪۱۹ گروه‌های اسمی دارای اطلاعات نو هستند.

متن ۳: سومین متن حدود صد جمله از فصل اول کتاب جهان‌بینی توحیدی است که به عنوان متن مذهبی برگزیده شده است. چند جمله نمونه و نوع و تعداد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد جمله‌ها در ادامه نشان داده شده است:

جهان‌بینی یا جهان‌شناسی، به عبارت دیگر تعبیر و تفسیر انسان از جهان، به طور کلی سه گونه است (م)؛ یعنی (نهاد محذوف یا Ø) از سه منبع ممکن است الهام شود^{۲۸}: علم، فلسفه، دین (ب)؛ پس جهان‌بینی سه گونه است: علمی، فلسفی، مذهبی (ب).

جدول (۵) خلاصه تحلیل گفتمانی متن ۳ را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد در متن ۲

گروه اسمی	ب.م	ب	م	ق.م	ق	ن	ن.م	کل	سایر
تعداد	۳	۵۱	۱۴	۱۱	۵	۹	۴	۹۷	۳
درصد	۳	۵۲/۵	۱۴/۵	۱۱/۵	۵/۵	۹/۵	۴		
اطلاعات کهنه									٪۸۶/۵
اطلاعات نو									٪۱۳/۵

۲۸. توضیح: ممکن است و شود دارای شناسه سوم شخص مفرد است که نشان می‌دهد جهان‌بینی نهاد جمله است.

در متن سوم، ۸۶/۵ درصد از گروه‌های اسمی انتقال اطلاعات کهنه را بر عهده دارند و ۱۳/۵ درصد گروه‌های اسمی حامل اطلاعات نو هستند. سه مورد از فاعل‌ها، از گروه‌های غیراسمی‌اند. برای نمونه در جمله (۱۶) یک بند خود ایستا (یک جمله) نهاد فعل «بدیهی است» می‌باشد.

۱۶. بدیهی است که از کلمه جهان‌بینی، که ماده دیدن در آن به کار رفته‌است، نباید به اشتباه بیفتیم.

متن ۴: کتاب مقدمه علم حقوق، کتابی پایه برای دانشجویان رشته حقوق است که به معرفی علم حقوق و موضوعات آن - که شاخه‌ای از علوم اجتماعی است - می‌پردازد. نزدیک به یک صد جمله از فصل چهارم این کتاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. جمله‌های نمونه و یافته‌های این بررسی در ادامه آمده‌است (جدول ۶).

در این فصل، گفتگو درباره نیروهای سازنده حقوق و دلیل الزامی بودن قواعد آن است (ق). نهاد محذوف یا (Ø) در مبانی حقوق بدیم (ق) که این گونه قواعد زاده چه رویدادهایی است (ب) و مکتب‌هایی که در این باره به وجود آمده‌است تا چه حد راه صواب پیموده‌اند (ن.م). بنابراین، مقصود از منابع حقوق صورت‌های ایجاد قواعد حقوق است (ق).

جدول ۶: تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد در متن ۴

گروه اسمی	ب.م	ب	م	ق.م	ق	ن	ن.م	کل	سایر	
تعداد	۳	۲۰	۲	۷	۳۷	۹	۱۴	۹۲	۱۱	
درصد	۳	۲۲	۲	۸	۴۰	۹/۷۸	۱۵/۲۱			
اطلاعات کهنه										
اطلاعات نو								۷۵٪		
								۲۵٪		

۷۵ درصد گروه‌های اسمی حامل اطلاعات کهنه و ۲۵ درصد گروه‌های اسمی حامل اطلاعات نو هستند. یازده مورد از فاعل‌ها، غیر گروه اسمی یا غیر قابل تشخیص‌اند. برای نمونه در جمله (۱۷) نهاد جمله قابل تمیز و شناسایی نیست. یعنی نهاد آن بی شخص^{۲۹} است. ۱۷. رویه قضایی و عقاید علما را باید از منابع حقوق شمرد.

متن ۵: متن پنجم یک متن زبان‌شناختی است که از کتاب مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی برگزیده شده است. این کتاب شامل سه فصل است. بیش از صد جمله از فصل سوم کتاب مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن، پس از ارائه چند جمله نمونه، در جدول (۷) آمده است.

بوخی از زبان‌شناسان بنای کار خود را بر نادیده گرفتن معنای واحدهای تجزیه اول (تکواژها) نهاده‌اند (ن) و (نهاد محذوف یا Ø) معتقدند (ب: چون ند شناسه و بیانگر نهاد جمله است) که از این رهگذر می‌توان در زمینه شناخت زبان به قطعیت علمی بیشتری دست یافت (نهاد مشخص نیست یعنی بی‌شخص است؟) (نهاد محذوف یا Ø) فرض کنیم (ب) که زبان‌شناسی مثلاً زبان فارسی نداند (ن) و دستاوردش از این زبان منحصر به مقداری عبارات‌های گردآمده روی نوار ضبط صوت باشد (ق.م).

جدول ۷: تحلیل محتوایی گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد در متن ۵

گروه اسمی	ب.م	ب	م	ق.م	ق	ن	ن.م	کل	سایر	
تعداد	۱	۵۳	۱۵	۱۹	۳	۸	۱۱	۱۰۰	۴	
درصد	۱	۵۳	۱۵	۱۹	۳	۸	۱۱			
اطلاعات کهنه										
										۸۱٪
اطلاعات نو								۱۹٪		

۸۱ درصد گروه‌های اسمی انتقال اطلاعات کهنه را انجام می‌دهند. چهار مورد از فاعل‌ها گروه اسمی نیستند، بلکه فاعل یا به صورت جمله است یا بی‌شخص است و یا اساساً تشخیص آن دشوار است.

متن ۶: زیست‌شناسی شاخه‌ای از علوم پایه و محض به شمار می‌آید. کتاب زیست‌شناسی سلولی، ملکولی، و مهندسی ژنتیک، یافته‌های تازه این علم را به دانشجویان رشته زیست‌شناسی معرفی می‌کند. بیش از یک صد جمله از ابتدای فصل چهاردهم این کتاب مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که جمله‌های نمونه و نتایج تحلیل متن در جدول (۸) ارائه شده است.

پزشکی بیشترین بهره را از انقلاب کلون کردن ژن برده و می‌برد (م). در این میان، تولید داروهای نوتروکیب مهم‌ترین مطلبی است که باید مورد توجه قرار گیرد (ح.م). تعدادی از

اختلالات انسانی می‌توانند (ن.م) (فاعل محذوف یا Ø) ریشه در فقدان یا صحیح عمل نکردن یک پروتئین که به‌طور طبیعی در بدن ساخته می‌شود، داشته باشند (ن.م): نمد شناسه فعل نشانگر این است که نهاد جمله، تعدادی از اختلالات انسانی است).

در متن ششم، فاعل‌هایی که گروه اسمی نیستند یا تشخیص آنها دشوار است دوازده موردند که یا بی‌شخص‌اند و یا نهاد به‌صورت جمله است. ۷۲/۵ درصد گروه‌های اسمی اطلاعات کهنه را می‌رسانند و ۲۷/۵ درصد گروه‌های اسمی اطلاعات نو را منتقل می‌کنند.

جدول ۸: تحلیل گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد در متن ۶

گروه اسمی	ب.م	ب	م	ق.م	ق	ن	ن.م	کل	سایر
تعداد	۰	۳۷	۷	۱۸	۴	۷	۱۸	۹۱	۱۲
درصد	۰	۴۰/۶۵	۷/۷	۱۹/۸	۴/۴	۷/۷	۱۹/۸		
اطلاعات کهنه	۷۲/۵٪								
اطلاعات نو	۲۷/۵٪								

متن ۷: الکترونیک، در حوزه فناوری و علوم کاربردی قرار می‌گیرد. جلد اول کتاب مبانی الکترونیک دانشجویان رشته مهندسی برق را با مطالب و اطلاعات زیربنایی الکترونیک آشنا می‌کند. این کتاب دارای هفت فصل است و صد جمله از ابتدای فصل دوازدهم آن بررسی و تحلیل محتوایی شد. جدول (۹) یافته‌های این بررسی را نشان می‌دهد.

(نهاد محذوف یا Ø) در بررسی مشخصه ولتاژ جریان دیود دیدیم (ب) که با افزایش ولتاژ معکوس دیود جریان از مقدار I_0 تجاوز نمی‌کند (ب). (نهاد محذوف یا Ø) چنانچه ولتاژ معکوس دیود را باز هم افزایش دهیم (ب)، (نهاد محذوف یا Ø) به نقطه‌ای خواهیم رسید (ب) که جریان معکوس دیود به‌طور ناگهانی شروع به افزایش سریع می‌نماید (ب).

در این متن گروه‌های اسمی به‌طور قابل ملاحظه‌ای، یعنی ۹۱/۵ درصد، انتقال اطلاعات کهنه را بر عهده دارند و ۸/۵٪ گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد برای شنونده اطلاعات نو به شمار می‌آیند.

جدول ۹: تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد در متن ۷

گروه اسمی	م.ب	ب	م	ق.م	ق	ن	م.ن	کل	سایر	
تعداد	۱	۴۱	۲	۲۶	۵	۵	۲	۸۲	۱۸	
درصد	۱/۲	۵۰	۲/۴	۳۱/۷	۶/۱	۶/۱	۲/۴			
اطلاعات کهنه	٪۹۱/۵									
اطلاعات نو								٪۸/۵		

متن ۸: کتاب فن و هنر سفالگری دانشجویان رشته باستان‌شناسی را با ویژگی‌های فنی و تزئینی سفال آشنا می‌کند. از فصل هفتم کتاب در حدود صد جمله اول مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۱۰) خلاصه شده است.

عمل اکسیداسیون: (نهاد محذوف یا Ø) ترکیب شیمیایی اکسیژن هوا با مواد را اکسیداسیون می‌نامند (نهاد جمله مشخص نیست، اما می‌توان از فحوای کلام حدس زد که دانشمندان باشند؟! اغلب مواد معدنی در سطح زمین به‌طور ترکیبی از اکسیژن وجود دارند (م.ن). اکسیژن در آب و هوا وجود دارد (م) و (نهاد محذوف یا Ø) همیشه آماده ترکیب با مواد دیگر است (ب). سوختن مواد در طبیعت یا زنگ‌زدگی فلزات نتیجه عمل اکسیداسیون است (ق.م).

جدول ۱۰: تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد در متن ۸

گروه اسمی	م.ب	ب	م	ق.م	ق	ن	م.ن	کل	سایر	
تعداد	۰	۲۵	۸	۲۷	۸	۷	۱۱	۸۶	۱۱	
درصد	۰	۲۹/۱	۹/۳	۳۱/۴	۹/۳	۸/۱	۱۲/۸			
اطلاعات کهنه	٪۷۹/۱									
اطلاعات نو								٪۲۰/۹		

در این متن ۷۹/۱ درصد گروه‌های اسمی اطلاعات کهنه و ۲۰/۹ درصد گروه‌های اسمی اطلاعات نو را منتقل می‌کنند.

متن ۹: در حوزه ادبیات، فصل دوازدهم از کتاب نقد ادبی انتخاب شد و صد جمله اول

این فصل با عنوان «نقد اسطوره‌گرا» بررسی و تحلیل شد. در ادامه چند جمله نمونه از آن متن آورده شده است:

کلریج، شاعر شهیر انگلیسی، می‌گوید (م) هنوز غریزه‌های کهن اسم‌های کهن را به یاد می‌آورد (ن). این اسم‌های اساطیری چون اسفندیار و یونس، هریک داستانی دارند که امروزه فراموش شده است (ق.م). ارنست کاسیرو، فیلسوف و اسطوره‌شناس آلمانی هم معتقد است (م) که شاعران بزرگ کسانی هستند که در آنان بینش اساطیری به همان قدرت و حدت باستانی خود شراره می‌کشد و فوران می‌کند (م).

جدول ۱۱: تعداد و درصد گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد در متن ۹

گروه اسمی	ب.م	ب	م	ق.م	ق	ن	ن.م	کل	سایر	
تعداد	۳	۲۷	۱۶	۱۳	۵	۷	۱۰	۸۱	۲۱	
درصد	۳/۷	۳۳/۳	۱۹/۸	۱۶	۶/۲	۸/۶	۱۲/۴			
اطلاعات کهنه										٪۷۹
اطلاعات نو								٪۲۱		

بیست و یک مورد از نهادها، گروه اسمی نیستند. این نهادها یا به صورت جمله و یا بی‌شخص‌اند. در مجموع ۷۹ درصد گروه‌های اسمی اطلاعات کهنه و ۲۱ درصد گروه‌های اسمی اطلاعات نو را در جایگاه نهاد انتقال می‌دهند.

متن ۱۰: کتاب ایران و تاریخ دانشجویان و علاقه‌مندان به تاریخ را با تاریخ پرفراز و نشیب ایران و فرهنگ و تمدن آن آشنا می‌کند. نوزده فصل مختلف کتاب، به اختصار، تاریخ ایران را از گذشته تا زمان حال معرفی می‌کند. صد جمله اول فصل هفدهم مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج آن و چند جمله نمونه در ادامه ذکر شده است:

کریم خان زند پس از اینکه (علی‌مردان خان) رئیس ایل بختیاری را شکست داد (م)، (نهاد محذوف یا Ø) با شاه اسماعیل سوم، از شاهزادگان بازمانده صفوی، به اصفهان بازگشت (ب). او که خود از سرداران نادرشاه بود در اصفهان به خود لقب وکیل‌الرعا یا داد (ب). از زمان سقوط آل‌بویه، کریم خان نخستین ایرانی بود که موفق شد در ایران حکومت تشکیل دهد (م) زیرا از دوره سقوط آل‌بویه تا ظهور کریم خان، سلاطین ایران با تُرک بودند یا مغول و یا تاتار (ق.م).

تعداد فاعل‌های غیر گروه اسمی (بی‌شخص) و یا نامشخص (نهاد محذوف) دو مورد

جدول ۱۲: تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد در متن ۱۰

گروه اسمی	م.ب	ب	م	م.ق	ق	ن	ن.م	کل	سایر
تعداد	۰	۵۳	۴	۱۵	۷	۵	۱۰	۹۴	۲
درصد	۰	۵۶/۴	۴/۲۵	۱۵/۹۶	۷/۴۵	۵/۳۲	۱۰/۶		
اطلاعات کهنه									
	۸۴/۱٪								
اطلاعات نو								۱۵/۹٪	

است. در این متن ۸۴/۱ درصد اطلاعات کهنه را نهاد جمله دربردارد و ۱۵/۹ درصد اطلاعات نو در گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد ظاهر شده‌است.

۲-۳ بحث

با نگاهی کلی به نتایج بررسی و تحلیل هزار جمله نوشتاری در زبان فارسی به نکات و یافته‌های قابل توجهی می‌رسیم؛ از جمله اینکه در ۹۹ جمله از هزار جمله، گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد به کار نرفته‌اند، یعنی حدود ۱۰ درصد از نهادها، گروه‌های غیراسمی هستند و این یافته مورد تأکید و مد نظر رحیمیان (۱۳۸۱: ۸۳) بوده که معتقد است علاوه بر گروه‌های اسمی که نوعاً بیانگر نهاد هستند، عناصر زبانی دیگری، از جمله بندهای خودایستا و ناخودایستا نیز می‌توانند نهاد جمله باشند. به‌طور مثال در متون بررسی شده در این تحقیق نهاد افعالی مانند لازم آمدن، امکان داشتن، توضیح داده شدن، و گفته شدن یک جمله (بند خودایستا) بوده که پس از فعل قرار گرفته‌است.

در ۹۰۴ جمله، از گروه اسمی در جایگاه نهاد استفاده شده‌است و گروه‌های اسمی برانگیخته (ب) با ۴۳ درصد کاربرد، بیش از گروه‌های اسمی دیگر در جایگاه نهاد قرار گرفته‌اند.

گروه‌های اسمی برانگیخته متنی غالباً ضمایر فاعلی یا ضمایر اشاره یا صفات اشاره همراه با اسم‌اند. در همین باب، یارمحمدی (۱۳۸۳: ۱۳) ضمایر را مقوله‌ای از تعبیرات اسمی می‌داند که ارجاع درگفتمان را انجام می‌دهند و از صراحت برخوردارند. درواقع، می‌توان گفت که بالا بودن میزان استفاده از گروه‌های اسمی برانگیخته متنی نشانگر این است که اصطلاحات ارجاعی در جایگاه نهاد جمله‌های زبان فارسی کاربرد چشمگیری دارد.

به نظر پرینس (1981) گروه‌های اسمی برانگیخته متنی (ب)، هم از نظر شنونده و هم بر اساس گفتمان و گروه‌های اسمی جدید معین (م) از نظر شنونده، اطلاعات کهنه را انتقال می‌دهند. در این پژوهش ۵۳ درصد گروه‌های اسمی را در جایگاه نهاد، گروه‌های اسمی برانگیخته متنی (ب.م) و گروه‌های اسمی جدید معین (م) تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، بیش از نیمی از گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد حامل اطلاعات کهنه شنونده بنیاد هستند. همچنین، بنا به نظر وی، گروه‌های اسمی قابل استنباط (ق) برای شنونده اطلاعات کهنه به شمار می‌آیند، ولی بر اساس گفتمان ممکن است اطلاعات نو و یا اطلاعات کهنه را در برداشته باشند. بنابراین اگر در این پژوهش اطلاعات کهنه را شنونده بنیاد در نظر بگیریم، بیش از هشتاد درصد گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد - که شامل گروه‌های اسمی برانگیخته (ب) و گروه‌های اسمی جدید معین (م) و گروه‌های اسمی قابل استنباط متنی (ق.م) می‌شوند - انتقال اطلاعات کهنه را بر عهده دارند و کمتر از بیست درصد گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد حامل اطلاعات نو هستند. مطلب قابل بحث دیگر میزان کاربرد هریک از گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد، در مقایسه با یکدیگر است. این میزان و درصد کاربرد به‌طور میانگین در کل جمله‌های بررسی شده به ترتیب ذیل است:

برانگیخته ۴۳٪ قابل استنباط ۳۰٪ جدید نامعین ۱۷٪ جدید معین ۱۰٪

این میزان و ترتیب کاربرد گروه‌های اسمی مختلف در نقش نهاد جمله در زبان نوشتاری فارسی، با نتیجه پژوهش پرینس (1981) شباهت دارد. با این تفاوت عمده که در جمله‌های مورد بررسی او در زبان نوشتاری انگلیسی هیچ گروه اسمی جدید نامعینی (ن) در جایگاه نهاد جمله قرار نگرفته است؛ در حالی که در زبان فارسی تعدادی از گروه‌های اسمی جدید نامعین (ن) در جایگاه نهاد جمله‌ها ظاهر شده‌اند.

با مقایسه متون ده‌گانه متوجه می‌شویم که متن ششم و هفتم از لحاظ چگونگی انتقال اطلاعات کهنه با هم تفاوت قابل توجهی دارند. در متن هفتم که درباره الکترونیک است ۹۱/۵ درصد گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد، اطلاعات کهنه را انتقال می‌دهند؛ در حالی که در متن ششم که درباره زیست‌شناسی است ۷۲ درصد اطلاعات کهنه توسط گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد منتقل می‌شود. چگونگی انتقال اطلاعات کهنه در متون دیگر بین این دو میزان ذکر شده قرار می‌گیرد.

۴. نتیجه گیری

نتایج و یافته‌هایی که از بررسی و تحلیل گفتمانی هزار جمله فارسی به دست آمده حاکی از این است که هفت نوع گروه اسمی‌ای که پرینس (1981) از آنها در تقسیم‌بندی خود از گروه‌های اسمی یاد می‌کند در جایگاه نهاد جملات نوشتاری فارسی با درصد‌های کاربردی متفاوت وجود دارند. پس از بررسی ۹۰۴ جمله که گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد آنها قرار داشتند، مشخص شد که گروه‌های اسمی اشاره‌شده در متن (برانگیخته) در ۳۷۲ جمله جایگاه نهاد جمله را اشغال کرده‌اند؛ یعنی با ۴۳ درصد کاربرد بیش از گروه‌های اسمی دیگر در این جایگاه در جملات نوشتاری فارسی به کار رفته‌اند. چنانچه اطلاعات کهنه را شنونده بنیاد بدانیم می‌توان گفت که ۸۳ درصد گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد اطلاعات کهنه را منتقل می‌کنند و ارتباط نزدیکی بین نوع گروه اسمی در جایگاه نهاد و اطلاعات کهنه در هر جمله وجود دارد و غالباً گروه اسمی در جایگاه نهاد محل ظهور و حضور اطلاعات کهنه است.

منابع

- آفا گلزاده، فردوس و سید حسین رضویان (۱۳۸۶)، «بررسی ساخت اطلاعاتی جمله در داستان بوف کور»، مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران، ج ۱، به کوشش محمد دبیرمقدم و همکاران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ص ۳.
- ابرامی، هوشنگ (۱۳۷۸)، شناختی از دانش‌شناسی (علوم کتابداری و دانش‌رسانی)، به کوشش رحمت‌الله فتاحی، کتابدار، تهران؛
- خزاعی فر، امید (۱۳۸۳)، «تکیه جمله در جمله ساده فارسی»، نامه فرهنگستان، ۲ (۴)، صص ۳۰-۴۷؛
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹)، «پیرامون را در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ۵، ش ۱، صص ۶۰-۶۲؛
- (۱۳۸۶)، «تکوین زبان‌شناسی نظری در جهان و بازنمود آن در ایران»، دوماهنامه بخارا، ۱۱، ش ۲، پیاپی ۶۳؛
- راسخ‌مهند، محمد و ندا موسوی (۱۳۸۶)، «پس‌آیندسازی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران، ج ۱، به کوشش محمد دبیرمقدم و همکاران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، صص ۴۹-۶۶.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۱)، دستور زبان فارسی: صورت، نقش، معنا، دانشگاه شیراز، شیراز؛
- زندى، بهمن و بلقیس روشن (۱۳۸۳)، «بررسی کاربرد انواع گروه‌های اسمی در جایگاه مبتدا در جمله‌های نوشتاری کودکان فارسی‌زبان»، فصلنامه پیک نو، ۲، ش ۵، ص ۱۳؛

شفائی، احمد (۱۳۶۳)، دستور زبان فارسی، نوین، تهران؛
 شریعت، محمدجواد (۱۳۷۶)، دستور ساده زبان فارسی همراه با تجزیه و ترکیب، اساطیر، تهران؛
 قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۵۰)، دستور زبان فارسی، کتاب فروشی مرکزی، تهران؛
 مشکوةالدینی، مهدی (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، دانشگاه فردوسی، مشهد؛
 — (۱۳۸۱)، سیر زبان شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد؛
 ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۷)، دستور زبان فارسی، توس، تهران؛
 نوروزی، جهان بخش (۱۳۷۳)، دستور زبان روان و ساخت زبان فارسی امروزی، راهگشا، تهران؛
 همایون فرخ، عبدالرحیم (۱۳۳۷)، دستور جامع زبان فارسی، علمی، تهران؛
 یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳)، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، هرمس، تهران؛

منابع متون تحلیل شده

توحیدی، فائق (۱۳۷۹)، فن و هنر سفالگری، سمت، تهران؛
 سینائی، علی (۱۳۸۰)، مجموعه سازی در کتابخانه ها، ج ۲: سفارش و تهیه مواد کتابخانه ای، سمت، تهران؛
 شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، نقد ادبی، فردوس، تهران؛
 کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران؛
 مطهری، مرتضی (۱۳۶۰)، آشنایی با علوم اسلامی: فلسفه، صدرا، قم؛
 — (۱۳۷۴)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۲: جهان بینی توحیدی، صدرا، قم؛
 مهدوی، مجید و همکاران (۱۳۸۸)، زیست شناسی سلولی و مهندسی ژنتیک، خانه زیست شناسی، تهران؛
 میرعشقی، علی (۱۳۸۰)، مبانی الکترونیک، ج ۱، شیخ بهایی، اصفهان؛
 نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۶)، مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، نیلوفر، تهران؛
 نوزری، عزت الله (۱۳۸۲)، تاریخ و ایران، نوید شیراز، شیراز؛

Halliday, M.A.K. (1985), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold Publishers Ltd;

— (2002), *Linguistic Studies of Text and Discourse*, London: Continuum;

Karimi, Simin (1989), *Aspects of Persian Syntax, Specificity, and the Theory of Grammar*, Dissertation: University of Arizona;

Noonan, David (1993), *Introducing Discourse Analysis*, London: Penguin Group;

Prince, Ellen (1981), Toward a taxonomy of given-new information, In P. Cole (Ed.), *Radical Pragmatics*, NY: Academic Press: 223-256;

— (1988), The ZPG letter: subjects, definiteness, and information status, Retrieved August 17, 2010 from ftp://babel.ling.upenn.edu/papers/faculty/ellen_prince/zpg.ps.html;

Rahivian, Jalal (1995), *Clause Types and Aspects of Clause Structure in Persian: A Study Oriented Towards Comparison with English*, Unpublished Ph.D Dissertation, Queensland: Queensland University.

